

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بحث در دو روایتی بود که در آن از امام (علیه السلام) سوال می‌شود اگر کسی مملوک یا جاریه‌ای را بخرد و آن مملوک یا جاریه ادعا کند که حُر است آیا می‌توانم این را بخرم یا نه؟ حضرت می‌فرمایند بله. بیان استدلال این بود که جواز شراء مستند به قاعده‌ی ید است یعنی چون بایع بر این مبيع ید دارد، ید اماره‌ی بر ملکیت است لذا امام (علیه السلام) می‌فرمایند به ادعای او اعتنا نکن مگر اینکه بیّنه اقامه کند. اشکال صاحب منتقی را هم بیان کردیم و باز اشاره خواهیم کرد.

ادامه بحث

با مراجعه به کلمات فقها در اینجا سه نظریه استفاده می‌شود. الف- این دو روایت مربوط به جایی است که کسی مشهور به رقیّت است یعنی اگر عبد یا جاریه‌ای مشهور به عبدیت و مملوکیت‌اند یا در بین مردم مشهور این است که اینها عبد و جاریه هستند، اگر اینها ادعا کردند که ما حُر هستیم این ادعا فایده‌ای ندارد مگر اینکه بیّنه اقامه کنند. در این صورت این دو روایت دلالتی بر قاعده‌ی ید ندارند.

در فقه عناوینی داریم که در این عناوین ولو قطع هم نباشد، شهرت در آن کفایت می‌کند. مثل عنوان وقف، اگر جایی مشهور به وقفیت بود همین کافی است و لازم نیست بگوئیم حتماً باید یک دلیل قطعی بر وقفیتش اقامه شود. یا در باب سیادت اگر کسی مشهور به سیادت باشد، همین شهرت در سیادت کفایت می‌کند و دیگر نیاز به اینکه شجره‌نامه درست کند ندارد. به بیان دیگر با قطع نظر از جایی که دلیل روایی یا تعبدی داریم یک سری امور هست که مجرد شهرت برای عقلا کفایت می‌کند.

ب- این روایات در موردی است که جایی بازار برده‌فروشان است این شخص هم می‌رود عبدی را بخرد ولی او می‌گوید من حُر هستم اینجا امام (علیه السلام) می‌فرماید این معامله را انجام بدهد و بخر. ظاهر کلام بعضی‌ها مثل صاحب کفایه مرحوم این است که هر دو فرض را از این دو روایت استفاده کردند. به نظر ما از این دو روایت استفاده می‌شود که ید اماره‌ی بر رقیّت است به این بیان که در باب اشیاء می‌گوئیم ید اماره بر ملکیت است پس اگر کسی خانه، فرش یا لباسی دارد ید اماره‌ی ملکیت است اما در باب اشخاص اگر کسی بر دیگری ید دارد و آمده این را بفروشد، این ید اماره‌ی بر رقیّت است و این قوی‌تر از اماره‌ی بر ملکیت است.

چون در باب ملکیت می‌گوئیم این آقا مالک این است و مفروض این است که آن شیء قابلیت تملک را دارد اما نمی‌دانیم این شخص مالک این هست یا نه؟ می‌گوئیم ید اماره‌ی بر مالکیت است اما در اینجا قوی‌تر است یعنی اینجا ما الآن نمی‌دانیم این

قابلیت برای بیع دارد یا نه؟ چرا؟ چون اصلاً خودش می‌گوید من حرم، اگر حر باشد قابلیت برای مبیع ندارد اگر عبد باشد قابلیت برای مبیع دارد.

نکته‌ی مهمی که ندیدم به این تعبیر تصریح شده باشد این است که این روایات می‌گویند اگر کسی بر یک انسانی ید داشت، شما شک کردید که این انسان مملوک این هست یا نه؟ و اصلاً شک دارید که این ممکن است حر باشد، این به زور آورده این را بفروشد، می‌گوئیم ید اماره‌ی بر رقیّت است، یعنی اصلاً در نتیجه دیگر بحث در جواز شراء این سؤال اولی و مدلول اولی روایت نیست ولو امام می‌فرماید اشتی.

ولو بحث در شراء آمده ولی بحث در اصل این است که این رق هست یا نیست؟ امام ید را علامت بر رقیّت قرار دادند، اماره‌ی بر رقیّت وقتی که رقه ... یعنی اگر خود سائل یقین داشت که این رق است دیگر شبهه‌ای در شراء نداشت، در اینکه این آقا می‌تواند این را بفروشد یا خیر. برای جواب فرمایش مرحوم صاحب منتقی این بیان ما را بگیرید تا ان شاء الله فرمایش ایشان را فردا جواب بدهیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين